

An Examination of the Model of Israelites Resistance in the Process of Institutionalizing the Discourse of Patience in Islamic Society

Mohammad Taqi Ahmadi Parto¹

Received: 21/04/2020

Accepted: 23/06/2020

Abstract

The story of the former nations, the hardships and bitterness, the factors of their success and failure, their ups and downs is a lesson for the later nations. One of the objectives of the stories of the Qur'an is to provide the context for the induction and institutionalization of concepts and truths in which, except with the sweet language of the story, a hard and bitter medicine such as patience and perseverance cannot be put up with. The strategy of resistance in the Qur'an has been established and institutionalized through a wise process, based on the conditions and developments of society. Part of this process is the institutionalization of the discourse of resistance and patience in the context of explaining the model of Israelites resistance, which in this study, along with five categories of verses, are dealt with. In examining the relevant verses, the author has achieved thought-provoking results using the descriptive-analytical method and according to the discounting approach. Some of the findings are: 1. the request of the last degrees of patience by the repentant sorcerers in the face of the most severe tortures of Pharaoh was in accordance with the oppressive conditions of the Muslims in Mecca. 2. The issues raised regarding the liberation of the children of Israel from humiliation, the promise of the elimination of their powerful enemies, have been a necessity for the Muslims to resist in the difficult conditions of the Meccan period.

Keyword

The model of resistance, Israelites, institutionalization, the discourse of patience, the Islamic society, the condition of Mecca.

1.

Ahmadi Parto, M. T. (2020). An Examination of the Model of Israelites Resistance in the Process of Institutionalizing the Discourse of Patience in *Islamic Society The Quarterly Journal of Studies of Qur'anic Sciences*, 2(4), pp. 136-164. Doi: 10.22081/jqss.2020.57465.1052

بررسی الگوی مقاومت بنی اسرائیل در فرایند نهادینه‌سازی گفتمان صبر در جامعه اسلامی

محمدتقی احمدی پرتو^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۰۳

چکیده

داستان اقوام پیشین، سختی‌ها و تلخ‌کامی‌ها، عوامل کامیابی و شکست، فراز و فرودهای آنان آینه عبرتی در برای امت‌های پسین است. یکی از اهداف قصه‌های قرآن، بسترسازی برای القا و نهادینه‌سازی مفاهیم و حقایقی است که جز با زبان شیرین داستان، داروی سخت و تلخی همچون صبر و پایداری، در آن قابل تحمل نیست. راهبرد مقاومت در قرآن طی فرایند حکیمانه‌ای، منطبق و ناظر بر شرایط و تحولات جامعه، پی‌ریزی و نهادینه‌سازی شده است. بخشی از این فرایند، نهادینه‌سازی گفتمان مقاومت و صبر در بستر تبیین الگوی مقاومت قوم بنی اسرائیل است که در این تحقیق، ضمن پنج دسته آیه، به آن پرداخته شده است. نگارنده در بررسی آیات مربوطه، با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با توجه به رویکرد تنزیلی، نتایج در خور تأملی به دست داده است؛ از جمله: ۱. درخواست آخرین درجات شکیبایی توسط ساحران تواب، در مقابل شدیدترین شکنجه‌های فرعون، منطبق بر شرایط طاقت‌فرسای مسلمانان در مکه بوده است. ۲. مسائل مطرح‌شده مربوط به رهایی بنی اسرائیل از ذلت و خفت، وعده هلاکت دشمنان قدرتمند آنان، به‌عنوان ضرورتی برای استقامت مسلمانان در شرایط سخت دوران مکه ترسیم شده است.

کلیدواژه‌ها

الگوی مقاومت، بنی اسرائیل، نهادینه‌سازی، گفتمان صبر، جامعه اسلامی، شرایط مکه.

۱. دانش‌آموخته سطح سه مرکز تفسیر حوزه علمیه قم، پژوهشگر مؤسسه تمهید، قم، ایران. partoahmadi@mailfa.com

■ احمدی پرتو، محمدتقی. (۱۳۹۹). بررسی الگوی مقاومت بنی اسرائیل در فرایند نهادینه‌سازی گفتمان صبر در جامعه اسلامی. فصلنامه مطالعات علوم قرآن، ۲(۴)، صص ۱۳۶-۱۶۴.
Doi: 10.22081/jqss.2020.57465.1052

مقدمه

داستان پرفراز و نشیب بنی اسرائیل پر از موفقیت‌ها و شکست‌ها، فرمانبری و نافرمانی و زشتی‌ها و خوبی‌هایی است که آینه عبرت اقوام بعدی از جمله مسلمانان است. اهتمام قرآن بر بازگویی پرتکرار و مداوم داستان بنی اسرائیل و مقاطع مختلف زندگی آنان و تأکید روایات بر همگونی مسلمانان با بنی اسرائیل در اتفاقات و موفقیت‌ها و شکست‌ها، نشان‌دهنده لزوم عبرت‌آموزی از داستان زندگی این قوم است؛ قومی رنج‌کشیده که در نهایت سختی و تحمل ظلم و بردگی و خفت، با رهبری پیامبری موعود که سال‌ها در انتظار او بوده است، با فرمانبری از او و استقامت در سختی‌ها تبدیل به قومی برگزیده می‌شود.

نتیجه شوم و تلخ و خفت‌انگیز بنی اسرائیل و جنایت‌های بی‌شماری که تا قرن‌ها و به‌ویژه در عصر حاضر به‌دست پیروان این قوم انجام می‌گیرد، تابو و مانعی از بررسی و تحقیق درباره یکی از مقاطع ویژه و درخشان در تاریخ زندگی و تحولات این قوم شده است. صرف نظر از ماهیت و اقدامات ضد انسانی و ضد دینی پیروان ادعایی این قوم در طول تاریخ، آنچه مسلم است یکی از عوامل مهم پیروزی بنی اسرائیل و تبدیل شدن به قوم برگزیده در مقطعی خاص، به‌کارگیری عنصر مقاومت و صبر در مقابل موانع ایجاد شده به‌دست فرعونیان مستکبر و ظالم بود.

سال‌ها ظلم و قتل و تجاوز و به‌بردگی کشاندن مردم به‌دست فرعون، آنان را از انتظار و پیگیری برای آمدن منجی موعود، منصرف نکرد. با آمدن حضرت موسی و تبعیت از رهبری ایشان و صبر و استقامت در آرمان‌های خود، مردم از زیر یوغ بردگی و استثمار فرعونیان رها شدند. این قسمت از تاریخ بنی اسرائیل که نمایانگر دوران استقامت و صبر و به تبع آن پیروزی و تبدیل شدن به قوم برگزیده است، در ضمن آیاتی از سوره اعراف برای مسلمانانی که در شرایط مشابهی قرار داشتند، بازگو شده است.

قرآن برای نهادینه‌سازی ارزش‌های اخلاقی، از روش‌هایی حکیمانه استفاده می‌کند. این روش‌ها نیز در فرایندی مشخص و منطقی به‌کار گرفته شده که بخشی از این فرایند استفاده از قصه‌های تاریخی است که منطبق بر شرایط محیطی معاصران نزول است. در

فرایند نهادینه‌سازی مؤلفه و گفتمان صبر و مقاومت نیز از روش بازگویی قصه‌های امت‌های پیشین و انبیا استفاده شده است. بخشی از این قصه‌ها، مربوط به تاریخ زندگی قومی است که شباهت بسیاری به حوادث جامعه اسلامی دارد.

۱. پیشینه تحقیق

بحث درباره بنی اسرائیل ضمن بیان داستان‌های حضرت موسی در کتاب‌های تفسیری بسیاری آمده است. همچنین به صورت مستقل کتاب‌هایی در این زمینه نگارش شده است، از جمله پژوهشی در جلوه‌های هنری داستان‌های قرآن نوشته محمود بستانی، تحلیل قصص: رویکردی تحلیلی به قصه‌های قرآن نوشته محمد شریفانی، بررسی تاریخی قصص قرآن، اثر محمد بیومی مهران.

همچنین در کتاب‌های قصص الانبیا به موضوع سرگذشت این قوم پرداخته شده است که سابقه‌ای دیرینه در میان تألیفات اسلامی دارد و ده‌ها و شاید صدها کتاب در زمینه آن نوشته شده است، از جمله در تألیفات قطب راوندی، ابن کثیر، ابواسحاق نیشابوری، علامه مجلسی، سید نعمت الله جزایری، جاد المولی، ناصر مکارم شیرازی، سید هاشم رسولی محلاتی، حسن عباس و عبدالوهاب نجار.

در این کتاب‌های ارزشمند معمولاً به سرگذشت این قوم در ضمن دیگر داستان‌های قرآنی پرداخته شده و به ندرت شرایط بنی اسرائیل با شرایط جامعه اسلامی تطبیق شده است؛ پس در موضوع این پژوهش (تطبیق سرگذشت قوم بنی اسرائیل با مسلمانان صدر اسلام در شرایط خفقان و فشار مکه و نهادینه‌سازی گفتمان صبر با استفاده از معرفی الگوی مقاومت بنی اسرائیل)، نوشته‌ای یافت نشد؛ البته برخی پژوهشگران در موضوع تطبیق گزارش‌های تاریخی با آیات قرآن، تحقیقاتی کرده‌اند؛ از جمله آقای دانش کیا در کتاب تاریخ در قرآن که به بررسی تطبیقی گزارش غزوه بدر، احد و تبوک در قرآن و منابع تاریخی مثل طبری، واقدی و ابن هشام پرداخته است. مؤلف در این کتاب آیات مربوط به حوادث را با تطبیق بر شرایط زمانی و مکانی و اتفاقات پیرامونی بررسی کرده است.

۲. روش تحقیق

تحقیق حاضر با رویکردی تنزیلی که به سیر نزول آیات مطابق با شرایط محیطی و پیرامونی نزول قرآن توجه دارد، تدوین شده است. از نظر هدف نیز کاربردی و به جهت روش کار در زمره تحقیقات توصیفی قرار دارد و نحوه جمع‌آوری داده‌ها، نیز به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای است.

۳. اهداف قصه‌های قرآنی

قرآن کتاب هدایت است؛ کتابی که دارای برنامه‌هایی متعدد برای دنیا و آخرت در جنبه‌های مختلف زندگی انسان است. با وجود معارف عمیق و مهم در قرآن جای این پرسش وجود دارد که این همه داستان در قرآن چه سنخیتی با معارف بالا و عمیق دارد. معارف عمیق و گسترده کجا و بیان داستان زندگی اقوام گذشته کجا؟ قرآن با یادآوری داستان اقوام گذشته به دنبال چه هدفی بوده است؟

می‌توان گفت از جهتی آنچه به ذهن و فکر آدمی برای آینده خویش خطور می‌آید، در صفحات تاریخ زندگی گذشتگان یافت می‌شود و از جهتی دیگر با اینکه برنامه‌های قرآن برای حال و آینده بشریت است، نگاهی به گذشته تاریخ بشریت، درستی بسیاری از برنامه‌های پیش‌روی قرآن را ثابت می‌کند. اگر قرآن دستور به صبر و تقوا و مبارزه با مستکبران می‌دهد، نشانی از تحقق نتیجه این دستورها را در گذشته در نقل داستان امت‌ها، اقوام و افراد به تصویر می‌کشد.

از دیگر سو، ارائه دعوت دینی و بیان مفاهیم دینی ضمن قصه‌های قرآنی یکی از اهداف داستان‌های قرآنی است؛ برای مثال قرآن به بطلان سه گانه پرستی در ضمن نقل ماجرای حضرت عیسی اشاره کرده است یا در ضمن داستان حضرت نوح به استدلال برای توحید پرداخته است (مهدوی، ۱۳۸۱، صص ۸۷-۸۸). همچنان که یکی از تفاوت‌های اصلی قصه‌های قرآن با قصه‌های تاریخی در جهت دار بودن قصه است. گزارش‌های تاریخی قرآن، جهت دار و با نگرش و هدف خاصی بازگویی می‌شوند (حسینی زرفا، ۱۳۹۴، ص ۶۳).

نمونه‌های بسیاری از استفاده ائمه اطهار از روش قصه برای تبیین مفاهیم دینی و

اخلاقی نقل شده است. این روش تأثیر بالایی بر شنوندگان دارد. مخاطبان پس از شنیدن این رویدادها، گویا مخاطب مستقیم آن نبوده‌اند؛ ولی به اندیشه و تأمل فرو می‌روند و در عمل و رفتار خود تجدید نظر می‌کنند. آنان به گونه‌ای غیرمستقیم، پیام قصه را دریافت و با عمق جان آن را درک می‌کنند (واسعی، ۱۳۸۸، صص ۱۵۱-۱۵۲).

از اهداف قصه زندگی گذشتگان می‌توان به این موارد اشاره کرد: آموختن نکات مهم به طو غیرمستقیم، نشان‌دادن اینکه هر مسئله یا مشکل، منحصر به فرد و جدید نیست، بلکه همواره به نوعی وجود داشته است، ایجاد رابطه بین گذشته، حال و آینده. داستان‌ها به گونه فرازمانی و فرامکانی عمل می‌کنند. آنها گذشته را به حال ربط می‌دهند و آن‌گاه هر دو زمان گذشته و حال را به آینده می‌افکنند. در واقع داستان با ایجاد رابطه بین زمان‌ها و با رفتارهای مختلف و بین ایده‌ها و مفاهیم و بین رفتارها و ارزش‌ها، شنونده را قادر می‌سازد که فکر و عملش را بازنگری و پیشبینی کند. از سوی دیگر، تار و پودهای فکری، عاطفی و ذهنی و حوادث اجتماعی که در داستان‌ها به هم پیوسته‌اند، فرد را در جهت حل مشکلات شخصی‌اش رهبری می‌کنند (مسبوق، ۱۳۹۵، ص ۱۸۹).

بنابراین می‌توان بعضی اهداف قرآن در بازگویی تاریخی را این گونه گفت: استوار کردن دل پیامبر، موعظه و تذکر برای مؤمنان، عبرت‌گیری از گذشتگان، ایجاد زمینه تفکر و تأمل، هشدار به کافران، آیه‌بودن تاریخ (دانش‌کبا، ۱۳۹۳، صص ۵۰-۵۵).

۴. چرایی تکرار قصه

در چرایی تکرار قصه‌ها در قرآن مطالب و نکات مختلفی گفته شده از جمله جلوه‌های بلاغی تکرار، تکمیل تصویرها (حسینی ژرفا، ۱۳۷۷، صص ۵۲-۵۴)، تثبیت و استقرار اندیشه‌ها در اذهان، هشدار به کفار قریش و شاهد آوردن برای مطلبی (مهدوی، ۱۳۸۱، صص ۲۷-۲۹)؛ اما نکته‌ای که کمتر به آن توجه شده، هدف خاص قرآن از بیان نکته‌ای متناسب با شرایط مخاطبان داستان است. یکی از حکمت‌های تکرار قصه‌ها در قرآن، تناسب تکرار با پیام و هدف سوره است.

داستان حضرت موسی با اینکه در بیش از سی سوره تکرار شده است، اما در هر بار

موضوعی از آن برجسته شده و بر نکته خاصی تأکید شده است؛ برای نمونه از آن جا که در سوره قصص، هدف خداوند عبرت گرفتن پیامبر و همه مؤمنان مبنی بر پیروزی نهایی جریان حق پس از مبارزه با باطل است، به استبداد فرعون اشاره شده و از وعده نصرت برای مؤمنان گفته شده است (قنادی، ۱۳۸۱، صص ۷۴-۷۸).

بیشتر قصه‌های قرآن مکی‌اند. طبیعت دعوت دینی نیز در آن برهه اقتضا می‌کرد که نخست پایه‌های دیانت استوار گردد؛ از همین روی با توجه به شرایط سخت و مشکلات و بحران‌های گوناگون اقلیت دینی مسلمانان، یکی از اهداف و پیامدهای قصه‌های قرآن، کاستن از فشار عاطفی شدید بر پیامبر و مؤمنان است. قصه‌های قرآن در ایجاد آرامش روحی و روانی نقش مهمی دارند، از ر هگذر بازگویی قصه‌های رنج و صبر پیشینیان، تصویری بدیع از صبر و استقامت در راه ابلاغ حق، پیش روی پیامبر و مؤمنان پدید می‌آید و آنان را به ادامه راه امیدوار می‌ساخت (حسینی ژرفا، ۱۳۷۷، صص ۲۰۵ و ۲۴۴-۲۴۵). بنابراین باید حکمت تکرار قصه‌ها را از این منظر و زاویه نیز مورد توجه قرار داد که داستانی برای القای مطلبی خاص در شرایطی خاص، نیاز به بازگویی مجدد دارد که از این منظر، دیگر مسئله تکرار مطرح نمی‌شود، بلکه باید گفت اقتضایی خاص، موجب نزول این آیات و ذکر این قطعه از تاریخ زندگی قومی مشابه شرایط روز جامعه مسلمان شده است.

۵. کارکردهای الگو

الگو یا سرمشق در لغت عربی معادل اسوه است. با توجه به نظر لغت‌شناسان (راغب، ۱۴۱۲ق، صص ۷۶-۷۷؛ جوهری، ۱۹۹۰م، ج ۶، ص ۲۲۶۸؛ فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۵) می‌توان گفت اسوه به معنای صبر و آرامش و تحمل ناملايمات و مصیبت‌هایی است که با مشابَهت دادن خود با دیگری - که دچار آن مصیبت‌ها شده - به دست می‌آید.

برخی درباره واژه اسوه نوشته‌اند: کاربرد اصلی این واژه در امور دشوار و مصائب است که مفاهیمی همچون مداوا، تسهیل و آرامش دادن را در پی دارد و در کاربرد ثانوی به معنای الگو، سرمشق و مقتدای کلی به کار رفته است (کامیابی، ۱۳۹۷، ص ۳۹)؛

بنابراین کارکرد اسوه و الگوبرداری، نوعی تسکین و آرامش و افزایش قدرت تحمل در ناملايمات و مشکلات با استفاده از هم‌ذات‌پنداری بين دو طرف است. اين تسکين و افزایش قدرت تحمل وقتی بیشتر نمود پیدا می‌کند که اسوه معرفی شده، دچار مصیبت‌های سخت‌تر و شدیدتر بوده باشد.

بنابر آنچه گذشت می‌توان گفت اسوه دو کاربرد دارد: ۱. تسهیل امر: یعنی الگوگیرنده می‌فهمد رسیدن به مقصود، همچنان که برای اسوه میسر شده، برای او نیز ممکن است؛ پس سختی راه را بهتر تحمل می‌کند. ۲. ترسیم راه: یعنی الگوگیرنده می‌تواند پا جای پای اسوه بگذارد و از باب «ره چنان رو که رهروان رفتند» از الگو به‌عنوان سرمشق پیروی کند. این کارکرد، الگوگیرنده را از تردید و سرگردانی در انتخاب مناسب‌ترین و نزدیک‌ترین راه رسیدن به مقصد نجات می‌دهد (کامیابی، ۱۳۹۷، ص ۵۳).

از عینی‌ترین و سریع‌ترین راه‌ها برای تبیین مفاهیم دینی و رسیدن به کمالات الهی، معرفی الگوی متناسب با شرایط مخاطب است. از آنجا که روش معرفی الگو، محتوای تربیت و مفاهیم دینی را به‌صورت عینی و عملی ارائه می‌دهد و نوعی هم‌ذات‌پنداری را ایجاد می‌کند، یکی از روش‌های بسیار مؤثر در تربیت و انتقال معارف دینی است. اصولاً به دلیل انس انسان‌ها با امور محسوس، اثرپذیری از نمونه‌های عینی بهتر اتفاق می‌افتد و بهترین و والاترین مفاهیم عقلی و اخلاقی، زمانی که به‌صورت تجلی عینی و خارجی در افراد دیده شوند، بهتر درک و تصدیق می‌گردند.

۶. کارکرد الگو در نهادینه‌سازی مفاهیم دینی

قرآن از تاریخ زندگی اقوام گذشته به‌عنوان ابزاری برای رسیدن به هدف‌های تربیتی خود استفاده می‌کند و سنت‌های الهی حاکم بر تاریخ را در قالب نمونه‌های تاریخی ارائه می‌کند (جعفری، ۱۳۶۸، ص ۵۱). در این جهان در عالم تکوین و تشریح، قوانین ثابتی هست که در ادیان آسمانی از آن به سنت‌های الهی یاد می‌شود. این قوانین همان‌گونه که در گذشته حاکم بوده و جریان پیدا کرده است، در حال و آینده نیز حاکم است و جریان خواهد داشت و تغییرپذیر و تحویل‌بردار نیست. از جمله سنت‌ها این است که

استواری و مقاومت در جهاد براساس ایمان، پیروزی را به ارمغان می‌آورد و بی‌ایمانی و سستی شکست و نابودی را به همراه دارد (موحدی محب، ۱۳۹۲، صص ۱۸۱ و ۱۸۵).

انسان جهت تصمیم‌گیری و انتخاب نوع کنش، معمولاً از تفسیر کنش دیگران، محاسبه سود و زیان و آثار و پیامدهای هر کنش بهره می‌گیرد؛ اما چون همواره توان تفسیر و محاسبات درست را ندارد (به‌ویژه کنش‌های غیرقابل پیش‌بینی) ساده‌ترین و مناسب‌ترین راه، دراختیارداشتن الگویی است که منطبق با آن و بدون دغدغه تصمیم بگیرد. قرآن درصدد ارائه الگویی عینی، تجربی و دست‌یافتنی برای مخاطب است. در قرآن از هر داستان، نکات آموزنده و حکمت‌آمیز آن نقل شده تا مخاطب با دراختیارداشتن الگویی عینی و تجربی به‌راحتی پیام دین را درک و تحت تأثیر قرار بگیرد. نقل داستان و سرنوشت اشخاص، جوامع و گروه‌های اجتماعی راهبردی اساسی در جهت تأثیرگذاری بر مخاطب است (آخوندی، ۱۳۹۶، صص ۱۶۶-۱۶۹).

در جنگ پرمخاطره احزاب، هنگامی که مسلمانان در شرایطی سخت و دلهره‌آور، در بوته آزمایش قرار گرفته و لشکریان قدرتمند مشرکان و کفار و یهود و غیره همه از هر طرف به مسلمانان هجوم آورده بودند، بیم شکستن مقاومتشان می‌رفت. در این شرایط، پیامبر اکرم که شرایط بسیار سخت‌تری را گذرانده و تحمل کرده بود، اسوه و سرمشق برای مسلمانان معرفی شد تا در آن شرایط بحرانی و دهشتناک، با تاسی به استقامت و پایدردی پیامبر، از آن شرایط سخت عبور کنند.

۷. گفتمان‌سازی الگویی

به نظر می‌رسد گفتمان‌سازی در حوزه معارف دینی براساس قصه‌ها و داستان‌های تاریخی را خود قرآن پایه‌ریزی کرده است، این روش در بسیاری از آیات پی‌ریزی شده است. در مواردی که صراحت در امر چاره‌ساز نیست یا به‌سبب معذورات و عوامل و انگیزه‌های دیگری، قرآن از روش القای غیرمستقیم معارف استفاده کرده است. روش گفتمان‌سازی براساس قصه یکی از شیواترین، جذاب‌ترین و مؤثرترین روش‌های دینی قرآن است. این روش در آموزه‌های ائمه اطهار : نیز به دفعات استفاده شده است.

استناد به قصص قرآن برای اثبات و استدلال در مباحث کلامی از جمله در تبیین علم لدنی و عصمت امام، دیدن و نشناختن امام و مسئله پذیرش ولایتعهدی از جمله روش‌های ابتکاری امام رضا ۷ در احتجاج مقابل شیعیان منحرف، عالمان اهل سنت و مخالفان بوده است (دیمه، ۱۳۹۷، صص ۱۸۱-۱۸۲).

در روایتی از امیر مؤمنان علی ۷ در احتجاج به علت سکوت و قیام و جنگ نکردن با غاصبان جایگاه امامت و رهبری جامعه، حضرت به سیره و روش پیامبران الهی استدلال کردند. در احتجاج صورت گرفته، حضرت به وضعیت نوح، لوط، ابراهیم، موسی، هارون و محمد ۹ اشاره کرده، ضمن بیان آیات مربوطه، عملکرد این پیامبران را مستند رفتار و عملکرد خود دانستند (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، صص ۱۸۹-۱۹۰).

همچنین در ضمن روایتی طولانی، پیامبر اکرم ۹ در توصیه به صبرورزی به حضرت امیر، در شرایط غربت و اعراض مردم، با استدلال به آیه ۱۵۰ سوره اعراف، ایشان را به اسوه قرار دادن هارون که در وضعیت مشابهی قرار داشته است، فرامی‌خواند (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۸، ص ۵۴)؛ بنابراین، توجه به قصه‌های قرآنی از این منظر که پایه‌ای برای استدلال قرار بگیرند، در بیانات و روش اهل بیت نیز وجود داشته و به کار رفته است؛ اما متأسفانه کمتر مورد توجه عالمان و مفسران قرار گرفته است.

۸. قرآن متنی ناظر به واقع

یکی از مطالب مهم درباره قرآن که کمتر به آن توجه می‌شود، این است که قرآن، مانند بعضی کتاب‌های اخلاقی نیست که در فضایی انتزاعی به نسخه‌پیچی برای مشکلات روحی، اخلاقی و مانند آن پرداخته‌اند، بلکه قرآن همگام با تحولات جامعه، طبق اصول اساسی و حیانی و به اقتضای حکمت الهی، با توجه به واقعیت‌های انسان و جامعه برنامه‌هایی جامع و همیشگی و در عین حال منطبق بر شرایط و اقتضائات زمانی و مکانی، معرفی کرده است.

نزول قرآن به صورت تدریجی و همگامی آن با شرایط زمان و مکان و همخوانی و هماهنگی آن با حوادث و وقایع روز، از عوامل مؤثر در رشد اسلام بوده است (لکنزایی،

۱۳۸۶، ص ۱۸۳). قرآن به تناسب چالش‌های پیش آمده و موانع ایجادشده موضع می‌گرفت و پیامبر و گروه مؤمنان را از آن موانع و چالش‌ها عبور می‌داد (بهجت‌پور، ۱۳۸۹، ص ۴۷). حکمت الهی نیز ایجاب می‌کند آیات با توجه به نیازهای انسان‌های مؤمن در همان بستر و زمان خاص برای تبیین راه و حل مشکل نازل شوند. از این منظر قرآن خود بهترین کتاب تاریخی برای نشان‌دادن سیر تحولات و فراز و نشیب‌های تاریخی جامعه اسلامی است.

البته باید توجه شود که مسئله ناظر بودن قرآن به واقع و واکنش به تحولات، به معنای تاریخ‌مندی قرآن و نقش‌پذیری قرآن از تحولات و شرایط موجود که در نظریه حامد ابوزید و حسن حنفی مطرح شده، نیست؛ چون اساساً آنان در حوزه تفسیر قرآن براساس ترتیب نزول وارد نشده‌اند (شاکر، ۱۳۸۹، ص ۱۱۴)؛ بنابراین هر آیه‌ای پیامی روشن و کاربردی برای مخاطب معاصر نزول به همراه داشته است.

۱۴۵

مُطَالَعَةُ الْقُرْآنِ

حائمه اسلام - بررسی الگوی مقاومت بنی‌اسرائیل در فرایند نهادینه‌سازی گفت‌وگو در

۹. اهمیت توجه به شرایط محیطی نزول

بدون توجه به شرایط مخاطبان و اقتضائات آنان، تکرارها به صورت مفاهیمی کلی و انتزاعی در حوزه اخلاق و تربیت و مانند آن دیده می‌شوند؛ اما توجه به شرایط مخاطبان عصر نزول و اقتضائات آنان مشخص می‌کند افزون بر اینکه انسان برای خارج شدن از غفلت، نیاز به تکرار مفاهیم اخلاقی دارد، مهم‌تر از آن، الزامی برای شنیدن و به‌کارگیری آن پیام در آن شرایط خاص وجود داشته است. در واقع حکمت آمدن این آیه در این شرایط فهمیده می‌شود.

اهمیت و لزوم توجه به مخاطبان و شرایط و اقتضائات محیطی و مانند آن در سخن امیر مؤمنان علی ۷ این‌گونه بیان شده است: «ما تَزَكَّتْ آيَةٌ إِلَّا وَ اَنَا اَعْلَمُ بِهَا اَيْنَ تَزَكَّتْ وَ فِيمَنْ تَزَكَّتْ، فِي سَهْلِ اُمِّ فِي جَبَلٍ اَوْ فِي مَسِيرِ اُمِّ فِي مَقَامٍ؛ آیه‌ای نازل نشد مگر آنکه من بهتر از هرکسی می‌دانم کجا و درباره چه کسی نازل شده است، در بیابان یا کوه، در راه یا منزل» (حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، صص ۴۰-۴۶).

همچنان‌که اهمیت شناخت اشخاص و حوادث مرتبط با نزول آیه در فهم مراد آیه

دخالت جدی دارد، به گونه‌ای که این مطلب در کنار اهمیت حلال و حرام و امر و نهی مستفاد از آیات مورد اشاره قرار گرفته است. امام علی 7 می‌فرماید: «عَلِمْتُ مَا نَزَلَ بِهِ جِبْرِئِيلُ مِنْ حَلَالٍ وَ حَرَامٍ وَ أَمْرٍ وَ نَهْيٍ أَوْ سُنَّةٍ أَوْ كِتَابٍ أَوْ فِيمَا نَزَلَ وَ فِيمَنْ نَزَلَ؛ مَنْ مَيَّ دَانِمِ أَنْجَحَهُ رَا كِه جِبْرِئِيل نَازِل كَرْدِه از حلال و حرام، امر و نهی یا سنت و کتاب یا اینكه برای چه حادثه و واقعه‌ای نازل شده و در مورد چه کسی نازل شده است» (حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، صص ۴۳-۴۴).

در اهمیت علت نزول نیز آن حضرت می‌فرماید: «مَا نَزَلَتْ آيَةٌ إِلَّا وَقَدْ عَلِمْتُ فِيمَ نَزَلَتْ وَ عَلَيَّ مَنْ نَزَلَتْ وَ بِمِ أَنْزَلَتْ؛ آيَه‌ای نازل نشده است، مگر آنكه من می‌دانم در كجا و برای چه کسی و برای چه چیزی نازل شده است» (حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، صص ۴۴). با توجه به اینکه حضرت علی 7 شناخت این موارد را فضیلتی بزرگ برای خود دانسته است، در این روایات اهمیت و ضرورت شناخت محیط نزول آیات و شرایطی که موجب نزول آیات می‌شده است، روشن می‌شود.

قرآن برای نهاده‌سازی گفتمان صبر در جامعه اسلامی در سوره‌های مختلف مانند عصر، بلد، فرقان، سجده، بقره و انفال از ابزارهایی همچون بیان ویژگی‌های صابران، فواید و آثار صبوری و دستور صریح به صبرورزی بهره جسته است. در مقطعی خاص از سیر تحولات جامعه اسلامی که مسلمانان نوایمان زیر شکنجه‌های طاقت‌فرسا برای بیزاری‌جستن از ایمان جدید، تحت شدیدترین فشارها قرار داشتند، قرآن از روش بیان داستان و الگوهای صبوری و مقاومت برای نهاده‌سازی گفتمان صبر استفاده کرده است که قسمتی از آن در سوره اعراف ضمن داستان ساحران موسی و قوم بنی‌اسرائیل به‌عنوان دو الگوی صابران و عامل صبر در موفقیت و نجات بنی‌اسرائیل از ستم طاغوت زمان خود، یعنی فرعون ذکر شده است.

۱۰. سرگذشت بنی‌اسرائیل

بنی‌اسرائیل از نسل فرزندان یعقوب که به لقب اسرائیل شناخته می‌شدند پدید آمدند. پس از سال‌ها سکونت یعقوب و فرزندان‌اش در مصر و درگذشت آنان، حکومت

به دست فرعونیان افتاد. حضرت یوسف سرنوشت ستمگری‌های فرعونیان به بنی اسرائیل و آمدن منجی برای رهایی آنان را پیشگویی کرده بود. با افزایش نسل و جمعیت بنی اسرائیل در حکومت فرعون‌ها، ترس از قدرت گرفتن آنان، فرعونیان را به فکر افزایش فشارها بر آنان و محرومیت از مناصب انداخت. روزبه‌روز فشارها بیشتر شد و جنایات‌های وحشتناکی بر مردان و زنان و کودکان روا شد. همه منتظر منجی موعودی بودند که حضرت یوسف خبر از آمدنش داده بود (صحفی، ۱۳۷۹، صص ۱۵۰-۱۵۲).

داستان‌های موسی در قرآن سه مرحله از زندگی آن حضرت را در بر می‌گیرد: مرحله پیش از نبوت، مرحله نبوت و مبارزه با فرعون و نجات بنی اسرائیل و مرحله مبارزات و کنش‌ها با بنی اسرائیل که به اقتضای خود در سوره‌های مختلف آمده است (بستانی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۲۳۳). بخشی از این مرحله دوم که با هدف نجات بنی اسرائیل از چنگ فرعونیان صورت گرفته در سوره اعراف، ذکر شده است. در ابتدا به مسئله ساحران می‌پردازیم.

۱۱. ساحران فرعون

حضرت موسی در روزگاری به پیامبری برانگیخته شد که مردم مصر شیفته سحر و جادو بودند و ساحران، کارهایی بسیار شگفت‌آور انجام می‌دادند، از این جهت محبوبیت بالایی پیش مردم و دربار داشتند (بیومی، ۱۳۸۹، ج ۲، صص ۱۸۸-۱۹۶). یکی از توطئه‌های فرعون و کارگزاران و مشاورانش، بی‌حیثیت کردن موسی با تهمت‌های ناروا، ولی عامه‌پسند بود. وقتی موسی نشانه‌هایی برای فرعون و درباریان آورد، بعد از تهمت دیوانگی، ناجوانمردانه، این بار تهمت سحر به ایشان وارد کردند. در کنار این تهمت قرار گذاشتند با جمع‌آوری ساحران از سرتاسر مصر، به گمان پوچ خود، سحر موسی را باطل کنند و او را شکست دهند.

یکی از نویسندگان معاصر در این زمینه این‌چنین نوشته است: در روز معینی، ساحران ماهر از شهرهای مختلف مصر جمع شدند. مردم بسیاری نیز به تماشای این رخداد بزرگ آمده بودند. ساحران از فرصت ویژه‌ای که در آن قرار داشتند استفاده

کرده، از فرعون تقاضای پاداش فراوان در صورت پیروزی کردند. فرعون نیز افزون بر وعده پاداش، قول تقرب ویژه در دستگاه قدرت و ثروت خود به آنان داد. در اجتماع عظیم مردم، ساحران، طناب‌ها و عصاهایی به شکل مار درآوردند. صحنه‌ای وحشتناک به وجود آمد. همه چیز گویای پیروزی فرعون و شکست موسی بود؛ اما به قدرت خدا معجزه موسی، صحنه را تغییر داد و همه چیز را عوض کرد، حتی قلب و وجدان‌های به خواب رفته و گمراه شده ساحران را. آنان با دیدن نشانه‌های حقانیت موسی و دین او، به او و پروردگارش ایمان آوردند و به فرعون و قدرت و ثروتش پشت کردند. آنان در کمال شجاعت و مردانگی در مواجهه با تهدیدهای وحشتناک فرعون، بر ایمان به پروردگار موسی و هارون مقاومت کردند و دست از ایمانشان نکشیدند (مکارم، ۱۳۸۱، صص ۲۵۶-۲۶۳).

نخستین شکست فرعون در این صحنه، غلبه معجزه حضرت موسی بر شعبده ساحران بود؛ اما مهم‌تر از آن اعتراف ساحران به بطلان خود و مسلکشان - که همان مسلک فرعون بود- و پشت پا زدن به فرعون و قدرت و ثروت و تقرب به او بود. ایمان به موسی و پروردگار او ضربه نهایی و قدرتمندی بود که ساحران برای رسیدن به آن، خطر عذاب‌های سخت و کشته شدن در این راه را به جان خریدند.

به تعبیر یکی از نویسندگان، سرنوشت‌سازترین حادثه در معرفی دین و معجزات موسی برای همه مردم و درباریان فرعون و مهم‌ترین عامل گرویدن گروهی از بنی اسرائیل و در رأس آنان نخبگان علمی جامعه (ساحران) پیروزی حضرت موسی در رویارویی با ساحران بود. ایمان ساحران که جزو نخستین گروه مؤمنان به حضرت موسی و خدای ایشان بودند، آن‌چنان تأثیر و وحشتی در فرعون ایجاد کرد که موجب سخت‌ترین واکنش از طرف وی شد، تهدید به زجر آورترین نوع مرگ برای نخبه‌ترین افراد مصر، واکنشی بسیار سخت در مقابل انبوه جمعیت مردم بود. این واکنش، نشان‌دهنده تأثیرگذاری عمیق این رخداد بر مردم بود، به طوری که باعث ایمان گسترده بنی اسرائیل به حضرت موسی شد (شریفانی، ۱۳۹۴، صص ۲۳۰-۲۳۷). بنا بر روایتی از ابن عباس، بعد از ایمان آوردن ساحران، شصت هزار نفر از بنی اسرائیل به حضرت موسی ایمان آوردند و از پیروانش شدند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۷۱۶).

در مقابل تهدیدهای بسیار جدی و وحشت آفرین فرعون، ساحران با پشت پا زدن به گذشته و تمام آبرو و اعتبار اجتماعی خود و استقبال از خطر و تهدید پس از پاسخی که به تصمیم فرعون دادند، روی به سوی پروردگار کردند و دعا کردند و از او تقاضای شکیبایی در برابر شکنجه و قتل پادشاه کردند و از او خواستند در لحظه‌ی آخر، با تسلیم کامل به پروردگار قبض روح شوند.

«لَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ ثُمَّ لَأُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ * قَالُوا إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا مُتَّقِلُونَ * وَ مَا نَنْقِمُ مِنْآ إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِآيَاتِ رَبِّنَا لَمَّا جَاءَنَا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ تَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ» [فرعون تهدید کرد] سوگند می‌خورم که دست‌ها و پاهای شما را به‌طور مخالف (دست راست با پای چپ، یا دست چپ با پای راست) قطع می‌کنم؛ سپس همگی را به دار می‌آویزم. [ساحران] گفتند: «مهم نیست»، ما به سوی پروردگارمان بازمی‌گردیم. انتقام تو از ما، تنها به سبب این است که ما به آیات پروردگار خویش - هنگامی که به سراغ ما آمد- ایمان آوردیم. بار الها صبر و استقامت بر ما فرو ریز و ما را مسلمان بمیران» (اعراف: ۱۲۴-۱۲۶).

مراد از «افراغ صبر»، ریزش شکیبایی بر آنان به گونه‌ای است که گویا لبریز از صبر شده باشند. ظاهر این عبارت آن است که ساحرانی که به موسی ایمان آوردند، می‌دانستند در برابر آخرین درجه شکنجه و خطر قرار گرفته‌اند؛ بنابراین از پروردگار متعال آخرین درجه شکیبایی را تقاضا کردند. تأثیر ایمان آوردن کسانی که خود صاحبان فن و تخصصی مرتبط به یک معجزه هستند، بر مردم بسیار بالا است و علت خشم شدید فرعون بر ساحران نیز به دلیل همین تأثیر بود؛ چنان که اگر «ولید بن مغیره» که داهیة عرب در ادبیات بود، به حضرت محمد ایمان می‌آورد، در ایمان مکیان تأثیر شگرفی می‌گذاشت (بهجت پور، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۴۷۰).

فرعون برای جبران شکست سنگینی که در برابر حضرت موسی -بعد از ایمان ساحران و مردم- متحمل شده بود و برای ایجاد وحشت با هدف پیشگیری از ایمان گسترده مردم و در پی درخواست اطرافیان و درباریان، در مرحله بعد، شگرد قدیمی خود را که قتل عام گسترده جوانان و اسارت زنان بود، مطرح کرد (اعراف: ۱۲۷). حضرت

موسی نیز ضمن دلداری و دادن وعده نابودی فرعونیان و جانشینی قدرت برای بنی اسرائیل، آنان را به استعانت از خدا و صبر و استقامت، دعوت کرد: «قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ * قَالُوا أُوذِينَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَأْتِنَا وَ مِنْ بَعْدِ مَا جِئْتَنَا قَالَ عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يَهْلِكَ عَدُوَّكُمْ وَ يَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ؛ موسی به قوم خود گفت: از خدا یاری جوید و استقامت پیشه کنید که زمین از آن خدا است، و آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد، واگذار می کند و سرانجام نیک برای پرهیزکاران است. گفتند: پیش از آنکه به سوی ما بیایی آزار دیدیم. پس از آمدنت نیز آزار می بینیم (کی این آزارها سر خواهد آمد؟). گفت: امید است پروردگارتان دشمن شما را هلاک کند و شما را در زمین جانشین آنها سازد و بنگرد چگونه عمل می کنید» (اعراف: ۱۲۸-۱۲۹).

حضرت موسی در برابر این تصمیم، مردمانش را که قدرت اجتماعی نداشتند، به مددجویی و طلب یاری از خدا و شکیبایی توصیه کرد و فرمود: با این دو برنامه، می توانید دوران سخت فشار را تحمل کنید و آن را پشت سر گذارید. اگر او بخواهد شما را وارث زمین ساخته و دشمن را نابود می کند؛ ولی صبر و شکیبایی، بخشی از خویشنداری است و سنت خدا بر عاقبت پیروزمندان پرهیزکاران است (بهجت پور، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۴۷۶).

در مرحله قبل، ساحران مؤمن در برابر شدیدترین فشارها و شکنجه ها، برای حفظ نهال ایمانی که تازه متولد شده و با هر فشاری ممکن است بشکند، صبری بزرگ و نهایت استقامت را از خداوند درخواست کردند. آنان وقتی ارزش سرمایه جدیدی که به دست آورده بودند دانستند، آن را با تمام مواهب و مناصب وعده داده شده از طرف فرعون عوض نکردند. حال برای حفظ این اندوخته ارزشمند از گزند فرعون از خداوند صبر و یاری می جویند.

در مرحله دوم از الگوی مقاومت بنی اسرائیل، رمز پیروزی و نجات از ظلم و اسارت فرعونیان، صبر و استقامت عنوان شده است. همان طور که در مرحله قبل رمز حفظ ایمان نوپای آنان درخواست صبر از خدا و مقاومت از ناحیه آنان اعلام شد، در این مرحله،

رمز نجات از ظلم و استبداد و تهدید و ارعاب و وحشت انگیزی فرعونیان، استعانت از خدا و صبر و استقامت بیان شده است.

در مرحله سوم بعد از اعلام شکست و نابودی قوم فرعون، از تحقق وعده وراثت زمین که قبلاً از زبان حضرت موسی بیان شده بود خبر می‌دهد: «وَأَوْزَنَّا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يَسْتَضَعُّونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَدَمَرْنَا مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ فِرْعَوْنَ وَقَوْمَهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ؛ و مشرق‌ها و مغرب‌های پربرکت زمین را به آن قوم به ضعف کشانده شده زیر زنجیر ظلم و ستم، واگذار کردیم و وعده نیک پروردگارت بر بنی اسرائیل، به سبب صبر و استقامتی که به خرج دادند، تحقق یافت و آنچه فرعون و فرعونیان (از کاخ‌های مجلل) می‌ساختند و آنچه از باغ‌های داربست‌دار فراهم ساخته بودند، در هم کوبیدیم» (اعراف: ۱۳۷).

مراد از این سرزمین، مناطق شامات و مصر بود که زیر سلطه فرعون بود؛ بنابراین خدای متعال، به وعده نیکی که به بنی اسرائیل در برابر پایداری و صبرشان داده بود، عمل کرد و آنان به آنچه می‌خواستند، رسیدند. تنها بخشی از قبطیان در دریا غرق شده بودند؛ اما بقیه آنان در شهرهای مصر دارای شکوه و جلال پادشاهی بودند. خدای متعال برای اشاره به نابودی ثروت و قدرت باقی‌مانده قبطیان در ادامه می‌فرماید: تمام آنچه را که فرعونیان ساختند، نابود کردیم (بهجت پور، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۴۸۴).

در مرحله سوم نیز که خبر از تحقق وعده‌ای بزرگ می‌دهد - که جایگزینی قدرت و وراثت سرزمین‌های تحت سلطه فرعون برای بنی اسرائیل بوده است - اشاره‌ای به رمز این پیروزی و تحقق وعده الهی می‌کند که همان استقامت و صبوری مردم بوده است.

در مرحله چهارم در سوره سجده، دو رکن و شرط امامت در بنی اسرائیل معرفی شده است. خداوند در این سوره برای گروهی منتخب از بنی اسرائیل امامت و پیشوایی دیگر مؤمنان را مطرح کرده است؛ اما دو شرط و زمینه اساسی برای این افراد در نظر گرفته شده است. اول صبر و استقامت آنان و دوم یقین آنان به آیات الهی: «وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَ كَانُوا بآيَاتِنَا يوقنون؛ و از آنان امامان [و پیشوایانی] قرار دادیم که به فرمان ما [مردم را] هدایت می‌کردند؛ چون شکیبایی نمودند و به آیات

ما یقین داشتند» (سجده: ۲۴). در این آیه به صراحت شرط اصلی پیشوایی و امامت در هدایت برای افراد، صبر در سختی‌ها و یقین به آیات ذکر شده است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۲۶۶).

در این مرحله نیز رمز پیشوایی و امامت برای گروهی که هدایت و سرپرستی و رهبری جامعه را به دست می‌گیرند، صبر و مقاومت در کنار یقین به آیات الهی در نظر گرفته شده است.

اما در مرحله پنجم به سرانجام موفقیت‌ها و پیروزی‌ها و تبدیل آن به شکست و ذلت به دست بنی اسرائیل اشاره شده است. در سوره بقره که مدنی است، سرانجام تلخ و ذلیلانه این قوم که با عملکرد خود آنان رقم خورد و نه توسط دشمنان بیرونی یا عوامل محیطی، ذکر شده است و علت این عاقب شوم نیز همان عمل نکردن به رمز پیروزی ذکر شده است. آنان با بی‌صبری و بهانه‌جویی‌هایی که ناشی از خستگی و کم‌طاقتی و عدم استقامت در برابر مشکلات بود، دچار غضب الهی شدند و از اوج عزت به حضيض ذلت کشانده شدند: «وَ إِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نَصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ... وَ ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ وَ الْمَسْكَنَةُ وَ بَأُوْءٍ بَغْضَبٍ مِّنَ اللّٰهِ ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ كَانُوْا يَكْفُرُوْنَ بِآيٰتِ اللّٰهِ وَ يَقْتُلُوْنَ النَّبِيِّنَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذٰلِكَ بِمَا عَصَوْا وَ كَانُوْا يَعْتَدُوْنَ؛ زمانی را که گفتید: ای موسی هرگز حاضر نیستیم به یک نوع غذا صبر کنیم... [مهر] ذلت و نیاز، بر پیشانی آنان زده شد و باز گرفتار خشم خدایی شدند؛ چرا که آنان به آیات الهی کفر می‌ورزیدند و پیامبران را به ناحق می‌کشتند. اینها به سبب آن بود که گناهکار و متجاوز بودند» (بقره: ۶۱). در این آیه یکی از علل ذلت بنی اسرائیل، کفران نعمت‌ها، صبرنداشتن و کم‌طاقتی بنی اسرائیل بیان شده است (بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۸۴).

۱۲. شرایط مسلمانان در مکه

نخستین ستیزه‌گری‌ها با شعار توحید از سوی قدرتمندان سرکش و سردمداران متکبری به وقوع پیوسته است که بدون هیچ استحقاقی، قدرت سیاسی و اقتصادی را به دست گرفته‌اند و با استثمار و بردگی محرومان، مدعی برتری و حتی اولویت بر دیگران‌اند.

در چنین شرایطی پیامبران با شعار توحید، مردم را به مبارزه در مقابل نظام منحط و فاسد جاهلی طرفدار طاغوت فراخواندند (خامنه‌ای، ۱۳۵۶، صص ۷۱، ۷۶ و ۸۱).

بعد از سه سال نبوت حضرت و دعوت پنهانی، پیامبر دعوت خویش را علنی و مردم را به عبادت خدا دعوت کرد. از آنجا که دعوت به توحید ملازم با نفی شرک و بت پرستی بود، درگیری‌ها بین پیامبر و مشرکان شروع شد (طبری، ۱۴۰۳، ج ۲، صص ۶۴-۶۵). در پی این درگیری‌ها فضای رعب‌انگیز و وحشت‌آوری - همچون فضایی که فرعون برای ساحران و بنی اسرائیل ایجاد کرده بود - به دست مشرکان و بزرگان قوم مکه برای تازه مسلمانان بی‌پناه ایجاد شد.

بعضی محققان مراحل بعثت را به چهار مرحله طبقه‌بندی کرده‌اند. ۱. مرحله دعوت پنهانی که حدود سی نفر جذب اسلام شدند و تکالیف دینی خود را به دور از چشم مشرکان و در تنگنای سختی در کوه‌ها و دره‌ها انجام می‌دادند؛ ۲. مرحله دعوت علنی و مسالمت‌آمیز؛ ۳. دفاع در برابر تهاجم بعثت‌ستیزان؛ ۴. جهاد در راه آزادی جامعه‌های دچار سلطه (معادی‌خواه، ۱۳۷۷، ص ۷۲). شروع مرحله دعوت علنی و مسالمت‌آمیز نیز از اعلان دعوت در میهمانی خویشاوندان صورت گرفته است (معادی‌خواه، ۱۳۷۷، ص ۷۸).

پس از شروع دوره مبارزه فراگیر و دعوت علنی به اسلام که سه تا پنج سال بعد از آغاز دعوت پیامبر اتفاق افتاد، آزار و شکنجه‌های مشرکان نیز گسترش یافت. هر قبیله، بر مسلمانان جمع خود یورش می‌برد و آنان را پس از دستگیری با سخت‌ترین بی‌رحمانه‌ترین شکنجه‌ها و ادار به دست کشیدن از اعتقاد تازه خود می‌کرد که البته در اغلب موارد راه به جایی نمی‌بردند. حدود دو سال این وضعیت ادامه داشت تا اینکه پیامبر تصمیم به هجرت مسلمانان به حبشه برای رهایی از وضعیت سخت و بغرنج پیش آمده گرفتند. در این هجرت حدود هشتاد مسلمان شرکت داشتند (حکیم، ۱۳۸۵، ج ۱، صص ۱۱۷ و ۱۲۸-۱۳۱).

با به‌خطر افتادن منافع ثروتمندان و قدرتمندان مکه در پی شروع دعوت اسلامی که همه را زیر پرچم اسلام به‌صورت مساوی درآورد و امتیاز طبقاتی ناشی از ظلم و استبداد را از بین برد، موج واکنش‌های منفی از طرف صاحبان قدرت و ثروت شروع شد. شروع

این واکنش‌ها بعد از اعلام رسالت پیامبر در میان قوم و عشیره خود اتفاق افتاد (معروف الحسینی، ۱۴۱۳ق، ص ۱۳۳).

سه سال پس از شروع رسالت، مرحله جدیدی از دعوت به صورت علنی در میان عشیره پیامبر اتفاق افتاد. بعد از مدتی، قریش افرادی را برای مذاکره با ابوطالب فرستادند تا برای دست کشیدن پیامبر از نفی بت‌ها، حضرت را مجاب کنند. این مذاکرات سه بار تکرار شد و هر بار، با پاسخ‌های کوبنده و حمایت‌های ابوطالب از پیامبر به شکست انجامید. بعد از به نتیجه نرسیدن مذاکرات و عقب‌نشینی نکردن پیامبر از موضع دینی خود، آزار و اذیت و شکنجه‌های مشرکان شروع شد تا جایی که به شهادت سمیه و یاسر منجر شد و عده کمی هم از اسلام برگشتند. این وضعیت تا سال پنجم بعثت که هجرت به حبشه صورت گرفت، ادامه داشت (حسینی عاملی، ۱۴۰۲ق، ج ۲، صص ۱۱، ۲۸-۳۰، ۳۸ و ۴۹).

به تدریج گروهی نومسلمان شکل گرفت که در قوم و قبیله خود پناهی نداشتند. این گروه گرفتار شکنجه سخت مشرکان بودند. عمار یاسر برده بنی مخزوم و پدر و مادرش، بلال بن ریح غلام امیه بن خلف، خباب بن ارت و دیگران را در روزهای داغ، برهنه با دست و پای بسته، گرسنه و تشنه روی سنگ‌های سوزان می‌کشیدند و سنگ‌های سنگین و داغ را بر روی بدن آنان می‌گذاشتند. پدر عمار در زیر این شکنجه‌ها جان داد. مادرش در میان شکنجه و با سلاح ابی‌جهل کشته شد (بهجت‌پور، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۵۰).

آزار دیدن مردان و زنان مؤمن از اشراف خودکامه و خیره‌سر و شکنجه‌شدن و به شهادت رسیدن خداپرستان به دست جباران سنگدل، آزمایشی است که در سرتاسر تاریخ نهضت‌های توحیدی حضور دارد. خداوند با فرستادن سوره بروج از سابقه تاریخی این حادثه یاد می‌کند (فارسی، ۱۳۶۱، ص ۱۰۷). در این شرایط سخت و بحرانی که بیشتر مسلمانان از طبقه محروم و مستضعف جامعه تشکیل شده‌اند، البته همراه با اسلام آوردن افراد کمی از صاحب‌نفوذان و ثروتمندان، شدت شکنجه و فشارها بر مسلمانان، موجب ترس و نگرانی از مقاومت نکردن و ارتداد مسلمانان بی‌پناه و مستضعف شد. همچنین خطر بازگشت و ارتداد مسلمانانی با جایگاه و اعتبار اجتماعی بالا و قدرت و ثروت فراوان مثل ولید بن مغیره وجود داشت که کمتر مورد آزار و

اذیت بدنی قرار می گرفتند، اما متحمل انواع فشارهای روحی و روانی و تمسخر می شدند.

یکی از راهکارهای مهم برای حفظ دین و عقاید مسلمانان در این مقطع حساس که خطر تزلزل اعتقادی و برگشت از ایمان نوبی که با رنج فراوان به دست آمده بود، وجود داشت، رفتن به دره‌های اطراف مکه و دیدار و گردهمایی و انجام عبادت به صورت دسته‌جمعی بود (ابن‌اثیر، ۱۴۰۸ق، ج ۱، صص ۴۸۴ و ۴۸۶)؛ البته بعد از کشف این راهکار و برخوردهایی که با چند مسلمان موقع انجام عبادت صورت گرفت، این راهکار تبدیل به اجتماع مسلمانان در مکان‌هایی خاصی مانند خانه ارقم بن ارقم، جایی نزدیک کوه صفا شد (حسینی عاملی، ۱۴۰۲ق، ج ۱، صص ۲۶۰-۲۶۱).

همچنین سیاست رفتن به حبشه که با هدف رهاشدن عده‌ای از مسلمانان از شکنجه‌های وحشتناک و طاقت‌فرسا و حفظ دین و همچنین گسترش آموزه‌های دینی با تبلیغ اسلام در حبشه انجام شد (حسینی عاملی، ۱۴۰۲ق، ج ۲، ص ۴۹؛ رسولی محلاتی، ۱۳۶۸، ج ۳، صص ۱۹۴-۱۹۷).

البته راهبرد و راهکار همیشگی و مداوم مسلمانان در آن شرایط بحرانی، استقامت و صبرورزی بوده است؛ از این روی مسلمانان دائماً یکدیگر را توصیه به صبر و مقاومت می کردند (فارسی، ۱۳۶۱، ص ۷۴)؛ حتی حضرت خدیجه پیامبر اکرم را هنگامی که مورد تکذیب و اهانت قرار می گرفت، دل‌داری و تسلی می داد و مشکلات و موانع پیش آمده برای پیامبر را کوچک می شمرد (ابن‌اسحاق، ۱۳۶۸، ص ۱۳۲) که همین مسئله تأثیر بسیاری در آرامش روحی پیامبر و تحمل مشکلات سخت در تبلیغ رسالت داشته است.

راهبرد پی‌ریزی و سپس نهادینه‌سازی استقامت و مقاومت با ذکر نمونه‌هایی مشابه یا شدیدتر از وضع مسلمانان در شکنجه بنیان نهاده شد، مانند مؤمنان شکنجه‌شده قوم اخدود که در آتش سوختند و معرفی الگوهای استقامت که ساحران قوم فرعون بودند و دارای منزلت و پایگاه اجتماعی بالایی بودند، ولی به بدترین شکنجه‌ها و مرگ‌ها تهدید شدند. همچنین اشاره به تقاضای صبر از خدا برای تحمل شکنجه‌ها و حفظ ایمان برای ساحران و بیان رمز پیروزی قوم بنی‌اسرائیل که همان صبر و استقامت آنان بود که در

مرحله آخر با کنار گذاشتن صبر و تحمل دچار ذلت و شکست شده‌اند در همین راستا دیده می‌شود.

این حوادث و جریان‌های تاریخی، بسیار شبیه حوادث و جریان‌هایی هستند که در دوران غربت اسلام در مکه جریان داشته است و مسلمانان با شنیدن داستان حوادث تلخ گذشتگان و صبر و استقامت و سرنوشت نهایی آنان، علاوه بر افزایش آستانه صبر و تحمل و دریافت آرامش روحی، به تاسی و الگوگیری از قهرمانان مقاومت می‌پرداختند. همچنین رمز پیروزی بر مشکلات و موانع که در این داستان‌ها تبیین شده، در قالب گفتمان داستانی برای مسلمانان بیان شده است.

نتیجه‌گیری

از فواید نگاه تنزیلی که همراه با توجه به شرایط محیطی نزول آیات و سوره‌ها است، شناخت بستر نزول آیات و امکان جری و تطبیق صحیح قرآن در شرایط محیطی مشابه نزول آیات است؛ برای نمونه تکرار قصه‌های صبرورزی و داستان مقاومت انبیا و مؤمنان در قرآن برای مسلمانان کشور نیجریه و امثال آن که در وضعیت مشابهی با قهرمانان داستان استقامت قرآنی دارند، تأثیر بسیاری دارد.

شایسته است به حکمت تکرار قصه‌ها از این منظر و زاویه نیز توجه شود که داستانی برای القای مطلبی خاص در شرایطی خاص، نیاز به بازگویی مجدد دارد. از این منظر تکرار قصه معنایی ندارد، بلکه باید گفت اقتضایی خاص، موجب نزول این آیات شده است و ذکر این قطعه از تاریخ زندگی قومی در گذشته - که مشابه شرایط روز جامعه مسلمان است - با هدفی خاص بوده است.

یکی از تفاوت‌های القای پیام دینی به صورت دستوری، با القای پیام دینی به صورت داستانی، در این است که در اولی نتیجه انجام وظیفه کاملاً مشخص نیست؛ اما در صورت دوم، علاوه بر هم‌ذات‌پنداری شکل گرفته، معمولاً نتیجه داستان به صورت عینی مشخص است و به مخاطب این گونه القا می‌شود که می‌تواند قدم در راهی بگذارد که قبلاً پیموده شده و نتیجه آن نیز مشخص شده است. این مسئله در مصمم‌سازی مخاطب

در ایفای وظیفه مشخص شده، نقش مهمی دارد.

از نوآوری‌های این پژوهش، اشاره به این مطلب است که گاهی قرآن برای القای پیام خود، بدون تصریح و استفاده از الفاظ امری، با زبان داستان، وظیفه و راهبرد کلی را برای مخاطب آیه تعیین می‌کند؛ برای نمونه در این تحقیق مشخص شد که قرآن به صورت غیرمستقیم، وظیفه سنگین صبر و استقامت در مقابل شکنجه‌ها و شرایط بحرانی را برای مسلمانان دوران مکه، در ظرف قصه و داستان اقوام گذشته تبیین و تعیین کرده است.

این نوع از تبیین وظیفه که در قالب غیرمستقیم صورت می‌گیرد، چه بسا تأثیر بیشتری از زبان امر و نهی مستقیم داشته باشد. قرآن بارها از این روش برای روشن کردن افق راه آینده و گذر از موانع ایجادشده در مسیر جامعه اسلامی استفاده کرده است.

فهرست منابع

* قرآن کریم.

۱. آخوندی، محمدباقر. (۱۳۹۶). راهبردهای فرهنگی نفوذ اجتماعی دین در آموزه‌های قرآن. فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، ۲۲(۸۴)، صص ۱۵۰-۱۷۳.
۲. ابن اثیر، عزالدین. (۱۴۰۸ق). الکامل فی التاریخ (تحقیق: علی شیری). بیروت: دار احیاء التراث.
۳. ابن اسحاق، محمد. (۱۳۶۸). السیر و المغازی لابن اسحاق (تحقیق: سهیل ذکار). قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۴. بستانی، محمود. (۱۳۸۴). پژوهشی در جلوه‌های هنری داستان‌های قرآن (ترجمه: موسی دانش، چاپ سوم). مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۵. بهجت‌پور، عبدالکریم. (۱۳۸۹). رویکردی نو در تفسیر بر اساس ترتیب نزول. پژوهش‌های قرآنی، ۱۶(۶۲-۶۳)، صص ۲۶-۷۱.
۶. بهجت‌پور، عبدالکریم. (۱۳۹۰). همگام با وحی: تفسیر تنزیلی (به ترتیب نزول). قم: مؤسسه التمهد.
۷. بیضاوی، عبدالله بن عمر. (۱۴۱۸ق). انوار التنزیل و اسرار التأویل. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۸. بیومی مهران، محمد. (۱۳۸۹). بررسی تاریخی قصص قرآن (ترجمه: سیدمحمد راستگو، چاپ دوم). تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۹. جعفری، یعقوب. (۱۳۶۸). بینش تاریخی قرآن (چاپ دوم). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۰. جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۹۹۰م). الصحاح تاج اللغه و صحاح العربیه (تحقیق: عبدالغفور عطار، چاپ چهارم). بیروت: دارالعلم للملایین.
۱۱. حسکانی، عبیدالله بن عبدالله. (۱۴۱۱ق). شواهد التنزیل لقواعد التفضیل (تحقیق: محمدباقر محمودی). تهران: مجمع احیاء الثقافة الاسلامیه. مؤسسه طبع و نشر وزارت ارشاد.
۱۲. حسینی ژرفا، سیدابوالقاسم. (۱۳۷۷). مبانی هنری قصه‌های قرآن. قم: مرکز پژوهش‌های صدا و سیما.

۱۳. حسینی ژرفا، سید ابوالقاسم. (۱۳۹۴). گونه‌شناسی قصه‌های قرآن. قم: مدرسه اسلامی هنر.
۱۴. حسینی عاملی، جعفر مرتضی. (۱۴۰۲ق). الصحيح من سيره النبي الاعظم (چاپ دوم). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۵. حکیم، سیدمنذر و گروه مؤلفان. (۱۳۸۵). پیشوایان هدایت (ترجمه: عباس جلالی). قم: مجمع جهانی اهل بیت.
۱۶. خامنه‌ای سیدعلی و دیگران. (۱۳۵۶). دیدگاه توحیدی. تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
۱۷. دانش‌کجا، محمدحسین. (۱۳۹۳). تاریخ در قرآن. قم: دفتر نشر معارف.
۱۸. دیمه کارگراب، محسن؛ و کریمی، ابوالفضل. (۱۳۹۷). استندهای کلامی امام رضا ۷ به آیات قصص در حوزه امامت. فصلنامه علمی پژوهشی فرهنگ رضوی، ۶(۲۴)، صص ۱۵۷-۱۸۴.
۱۹. راغب اصفهانی، حسین. (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ القرآن. دمشق: دارالشامیه.
۲۰. رسولی محلاتی، سیدهاشم. (۱۳۶۸). درس‌هایی از تاریخ تحلیلی اسلام. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۱. شاکر، محمد کاظم. (۱۳۸۹). تفسیر بر اساس ترتیب نزول با سه قرائت، پژوهش‌های قرآنی، ۱۶(۶۲-۶۳)، صص ۹۱-۱۲۳.
۲۲. شریفانی، محمد. (۱۳۹۴). تحلیل قصص: رویکردی تحلیلی به قصه‌های قرآن (چاپ دوم). قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
۲۳. صحفی، سیدمحمد. (۱۳۷۹). قصه‌های قرآن (چاپ دوم). قم: انتشارات اهل بیت.
۲۴. طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن (چاپ دوم). بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۵. طبرسی، احمد بن علی. (۱۴۰۳ق). الاحتجاج علی اهل اللجاج. مشهد: نشر مرتضی.
۲۶. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن (چاپ سوم). تهران: ناصر خسرو.
۲۷. طبری، محمد بن جریر. (۱۴۰۳ق). تاریخ الامم و الملوک (چاپ چهارم). بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۸. فارسی، جلال‌الدین. (۱۳۶۱). انقلاب تکاملی اسلام. تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.

۲۹. فیومی، احمد بن محمد. (۱۴۱۴ق). المصباح المنیر (چاپ دوم). قم: دارالهجره.
۳۰. قنادی، صالح. (۱۳۸۱). آشنایی با معارف قرآن، قصه‌های قرآن. قم: سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور.
۳۱. کامیابی، محمد مهدی؛ طارمی‌راد، حسن؛ و خالقیان، فضل‌الله. (۱۳۹۷). تأملی در معناشناسی واژه اسوه در قرآن و حدیث، علوم حدیث، ۲۳(۸۸)، صص ۳۳-۵۹.
۳۲. لک‌زایی، نجف. (۱۳۸۶). سیره پیامبر اعظم در گذر از جامعه جاهلی به جامعه اسلامی (چاپ دوم). قم: بوستان کتاب.
۳۳. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۴ق). بحار الانوار. بیروت: مؤسسة الوفاء.
۳۴. مسبوق، سید مهدی؛ فتحی مظفری، رسول؛ و عزیزاده، گلاویژ. (۱۳۹۵). تأثیر داستان‌های قرآن بر سلامت روان، فصلنامه تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء 3، ۱۳(۳۰)، صص ۱۸۶-۲۰۸.
۳۵. معادی‌خواه، عبدالمجید. (۱۳۷۷). تاریخ اسلام: عرصه دگراندیشی و گفتگو (عصر بعثت). تهران: نشر ذره.
۳۶. معروف‌الحسنی، هاشم. (۱۴۱۳ق). سیره المصطفی، نظرة جدیدة (چاپ دوم). قم: شریف رضی.
۳۷. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۱). قصه‌های قرآن (تدوین: حسین حسینی، چاپ دوم). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۸. موحدی‌محب، عبدالله. (۱۳۹۲). تفسیر موضوعی قرآن کریم (چاپ دهم). قم: دفتر نشر معارف.
۳۹. مهدوی، سیدسعید. (۱۳۸۱). نگاهی به قصه و نکات تربیتی آن در قرآن. قم: بوستان کتاب.
۴۰. واسعی، سیدعلیرضا؛ و دینانی، محمدشمس‌الدین. (۱۳۸۸). درآمدی بر روش‌های تبلیغی ائمه (چاپ دوم). قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

References

* Holy Quran.

1. Akhondi, M. B. (1396 AP). Cultural Strategies for the Social Influence of Religion on the Teachings of the Qur'an. *Journal of Quranic Research*, 22(84), pp. 150-173. [In Persian].
2. al-Baydawi. (1418 AH). *The lights of revelation and the secrets of interpretation*. Beirut: Dar al-Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic].
3. al-Fayomy, A. (1414 AH). *al-Misbah al-Munir* (2nd ed.). Qom: Dar al-Hijra.
4. al-Jawhari, I. (1990). *al-Sihah: The crown of the language and the Correct Arabic* (A. Gh. Attar, Ed., 4th ed.) Beirut: Dar al-Elm Lil Mala'ein. [In Arabic].
5. al-Raghib al-Isfahani, H. (1412 AH). *al-Mufradat fi Gharib al-Quran*. Damascus: Dar al-Shamiya. [In Arabic].
6. Ayatollah Khamenei. (1356 AP). *Monotheistic view*. Tehran: Islamic Culture Publishing. [In Persian].
7. Bahjatpour, A. K. (1389 AP). A new approach to interpretation based on the order of descent. *Quranic Studies*, 16(62-63), pp. 26-71. [In Persian].
8. Bahjatpour, A. K. (1390 AP). *Synchronous with Revelation: Discount Interpretation (in descending order)*. Qom: al-Tamhid Foundation. [In Persian].
9. Biomi Mehran, M. (1389 AP). *Historical study of Quranic stories* (S. M. Rastgoo, Trans., 2nd ed.). Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company. [In Persian].
10. Bostani, M. (1384 AP). *A Research in the Artistic Effects of Quranic Stories* (M. Danesh, Trans., 3rd ed.). Mashhad: Islamic Research Foundation. [In Persian].
11. Daneshkia, M. H. (1393 AP). *History in the Quran*. Qom: Maaref Publishing Office. [In Persian].

12. Deymekar, M., & Kazemi, A. (1397). *Theological Citations of Imam Reza (A.S) to Verses Stories from Quran in Imamate*. Razavi Culture Quarterly, 6(24), pp. 157-184. [In Persian].
13. Farsi, J. (1361 AP). *The Evolutionary Revolution of Islam*. Tehran: Scientific and Cultural Publishing Center. [In Persian].
14. Hakim, S. M. (1385 AP). *Leaders of guidance* (A. Jalali, Trans.). Qom: World Assembly of Ahl al-Bayt. [In Persian].
15. Haskani, O. (1411 AH). *Evidence of reduction of the rules of subtraction* (M. B. Mahmoudi, Ed.). Tehran: Publishing Institute of Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Arabic].
16. Hosseini Ameli, J. M. (1402 AH). *al-Sahih from the biography of the Great Prophet* (2nd ed.). Qom: Islamic Publications Office. [In Persian].
17. Hosseini Jorfa, S. A. (1377 AP). *Artistic bases of Quranic stories*. Qom: Radio and Television Research Center. [In Persian].
18. Hosseini Jorfa, S. A. (1394 AP). *Typology of Quranic stories*. Qom: Islamic School of Art. [In Persian].
19. Ibn Athir. (1408 AH). *Complete in history* (A. Shiri, Ed.). Beirut: Dar al-Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic].
20. Ibn Ishaq, M. (1368 AP). *al-Sir and al-Maghazi by Ibn Ishaq* (S. Zokar, Ed.). Qom: Office of History and Islamic Studies. [In Arabic].
21. Jafari, Y. (1368 AP). *Historical Insights of the Quran* (2nd ed.). Tehran: Islamic Culture Publishing Office. [In Persian].
22. Kamyabi, M. M., Taremirad, H., & Khaleqian, F. (1397 AP). A Reflection on the Semantics of the Word Aswa in the Qur'an and Hadith. *Hadith Sciences*, 23(88), pp. 33-59. [In Persian].
23. Lakzaee, N. (1386 AP). *The biography of the Great Prophet in the transition from the ignorant society to the Islamic society* (2nd ed.). Qom: Bustaneketab. [In Persian].

24. Ma'adikhah, A. M. (1377 AP). *History of Islam: The field of dissent and dialogue (the age of resurrection)*. Tehran: Zareh. [In Persian].
25. Mahdavi, S. S. (1381 AP). *A look at the story and its educational points in the Quran*. Qom: Bustaneketab. [In Persian].
26. Majlesi, M. B. (1404 AH). *Bihar al-Anwar*. Beirut: al-Wafa Foundation. [In Arabic].
27. Makarem Shirazi, N. (1381 AP). *Quran Stories* (H. Hosseini, Ed., 2nd ed.). Tehran: Islamic Library. [In Persian].
28. Maroof al-Hassani, H. (1413 AH). *Biography of Mustafa, New Theory* (2nd ed.). Qom: Sharif Razi. [In Persian].
29. Masbouq, S. M., Fathi Mozafari, R., & Alizadeh, G. (1395 AP). The Eeffect of Qur'anic Stories on Mental Health (Stories of Sura al-Kahf as case study. *Quarterly Journal of Quranic Sciences and Hadith Research*, 13(30), pp. 186-208. [In Persian].
30. Movahedi Moheb, A. (1392 AP). *Thematic interpretation of the Holy Quran* (10th ed.). Qom: Maaref Publishing Office. [In Persian].
31. Qanadi, Saleh. (1381 AP). *Introduction to Quranic teachings, Quranic stories*. Qom: Organization of abroad seminaries and schools. [In Persian].
32. Rasouli Mahallati, S. H. (1368 AP). *Lessons from the Analytical History of Islam*. Tehran: Printing and Publishing Organization of the Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Persian].
33. Sahfi, S. M. (1379 AP). *Quran Stories* (2nd ed.). Qom: Ahlul Bayt. [In Persian].
34. Shakir, M. K. (1389 AP). Interpretation based on the order of revelation with three readings. *Quranic researches*, 16(62-63), pp. 91-123. [In Persian].
35. Sharifani, M. (1394 AP). *Story Analysis: An Analytical Approach to Quran Stories* (2nd ed.). Qom: al-Mustafa International Translation and Publishing Center. [In Persian].

36. Tabari, M. (1403 AH). *History of Nations and Kings* (4th ed.). Beirut: Scientific Foundation for Publications. [In Arabic].
37. Tabarsi, A. (1403 AH). *al-Ihtijaj ala ahl al-lijaj*. Mashhad: Morteza Publishing. [In Arabic].
38. Tabarsi, F. (1372 AP). *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Quran* (3rd ed.). Tehran: Naser Khosrow. [In Arabic].
39. Tabatabaei, S. M. H. (1390 AH). *al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an* (2nd ed.). Beirut: Scientific Foundation for Publications. [In Arabic].
40. Vasei, S. A., & Diani, M. S. (1388 AP). *An Introduction to the Propaganda Methods of the Imams* (2nd ed.). Qom: Islamic Sciences and Culture Academy. [In Persian].